

Journal of Islamic Law Research

پژوهش‌نامه حقوق اسلامی

The Analysis of Article 133 of the Iranian Industrial Property Protection Act in View of Its Compatibility with the Nature of Registration Systems, the Necessities of Industrial Property Law, and the Applicability of Stay of Proceedings

Authors: Saeed Habiba | Amir Nazeri

Stable URL: <https://doi.org/10.30497/law.2025.248342.3783>

تحلیل ماده ۱۳۳ قانون حمایت از مالکیت صنعتی؛ حدود مطابقت با مقتضیات
نظام‌های ثبتی، ضرورت‌های حقوق مالکیت صنعتی و مجرای قرار اناطه

نویسندگان: سعید حبیب‌ا | امیر نازری

پیوند دائمی: <https://doi.org/10.30497/law.2025.248342.3783>



Copyright 2026 The Author(s).

Published by *Imam Sadiq University*, Tehran, Iran.

This work is fully Open Access under the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) license, allowing non-commercial use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and not modified. *Islamic Law Research* strictly follows the ethical guidelines of the Committee on Publication Ethics (COPE), which all readers, authors, reviewers, and editors are expected to observe and uphold.

**The Analysis of
Article 133 of the Iranian Industrial Property Protection Act
in View of Its Compatibility with the
Nature of Registration Systems,
the Necessities of Industrial Property Law,
and the Applicability of Stay of Proceedings**

Saeed Habiba • Professor, Department of Private and Islamic Law, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. (Corresponding Author) habiba@ut.ac.ir

Amir Nazeri • PhD Student in Oil and Gas Law, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. a.nazeri@ut.ac.ir

Abstract

Context & Objective: In industrial property law, the issuance of a registration certificate grants the holder exclusive rights. However, because of the potential for error by the registration authority in evaluating substantive conditions, such certificates cannot be presumed definitively valid. This raises a critical legal question: can a judicial authority, in the context of adjudicating infringement claims, independently evaluate the substantive validity of a registration certificate without a formal action for invalidation? In recent years, Iranian criminal courts have adopted a practice of assessing certificate validity through expert opinions during infringement proceedings, leading to rulings of non-prosecution when registration conditions were deemed unfulfilled. This judicial approach has garnered support from segments of Iranian legal scholarship. In contrast, the 2024 enactment of Article 133 in the Industrial Property Protection Act mandates that upon a defense challenging the certificate's validity, courts must stay proceedings and refrain from direct evaluation of substantive validity. This article seeks to examine the extent to which this legislative development aligns with the fundamental nature of global registration systems, the core requirements of industrial property law, and the legal doctrine governing the stay of proceedings.



Method & Approach: The article employs a doctrinal research methodology to conduct a critical analysis of both judicial practice and the legislative position embedded in Article 133. It scrutinizes relevant statutory texts, judicial decisions, and academic commentaries to assess the theoretical and practical consistency of prior court practices with established legal principles.

Findings: The analysis reveals that the prior judicial approach, which permitted courts to engage in substantive evaluation of registration certificates during infringement proceedings, lacked a solid foundation in the structure of registration-based legal systems. It also presented challenges to the predictability and coherence of industrial property rights. Conversely, the new legislative directive to stay proceedings and defer substantive validity assessments to separate invalidation actions aligns with international norms and reinforces the systemic reliability of the registration framework. The requirement to channel validity challenges through distinct procedural mechanisms ensures procedural regularity and legal certainty for stakeholders.

Conclusion: The study concludes that Article 133 of the 2024 Industrial Property Protection Act represents a legally sound and functionally necessary departure from prior judicial practices. By prohibiting courts from directly assessing certificate validity and mandating a stay of proceedings in the face of substantive challenges, the legislature has affirmed the structural integrity of the registration system, upheld essential principles of industrial property law, and harmonized domestic legal practice with globally recognized procedural standards.

Keywords: Industrial Property Law, Patent, Industrial Design, Trademark, Unjustified Monopoly, Stay of Proceedings.

تحلیل ماده ۱۳۳ قانون حمایت از مالکیت صنعتی؛ حدود مطابقت با مقتضیات نظام‌های ثبتی، ضرورت‌های حقوق مالکیت صنعتی و مجرای قرار اناطه

سعید حبیبی • استاد، گروه حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

habiba@ut.ac.ir

(نویسنده مسئول)

امیر ناظری • دانشجوی دکتری حقوق نفت و گاز، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

a.nazeri@ut.ac.ir

چکیده

دارنده گواهی‌نامه ثبت حقوق مالکیت صنعتی از حقوق انحصاری برخوردار است، اما با توجه به احتمال اشتباه مرجع ثبت در احراز شرایط ماهوی، هیچ قطعیتی در خصوص اعتبار گواهی‌نامه صادره وجود ندارد. آیا مرجع قضایی رسیدگی‌کننده به دعوی یا شکایت نقض حقوق مالکیت صنعتی، می‌تواند رأساً بدون اینکه دعوی ابطال گواهی‌نامه طرح شده باشد، اعتبار گواهی‌نامه را از جهت وجود شرایط ماهوی ثبت مورد بررسی قرار دهد؟ در سال‌های اخیر، مراجع کیفری در مقام رسیدگی به شکایت نقض، ضمن ارجاع امر به کارشناس، به مسأله اعتبار گواهی‌نامه ورود می‌کردند و در صورت عدم احراز شرایط ثبت، اقدام به صدور قرار منع تعقیب می‌کردند؛ رویکردی که مورد حمایت برخی نویسندگان نیز قرار گرفته بود. اما قانون‌گذار در ماده ۱۳۳ قانون جدید حمایت از مالکیت صنعتی مصوب ۱۴۰۳، حکمی خلاف رویه قضایی وضع نموده است؛ بدین ترتیب که مرجع قضایی در صورت مواجه شدن با دفاع بی‌اعتباری گواهی‌نامه، مکلف به صدور قرار اناطه گردیده و ممنوع از ورود مستقیم به مسأله اعتبار گواهی‌نامه شده است. حال این سوال مطرح است که این رویکرد جدید تا چه حد با مقتضیات نظام‌های ثبتی، ضرورت‌های مالکیت صنعتی و همچنین مجرای قرار اناطه مطابقت دارد؟ در مقاله حاضر، رویه قضایی پیشین و دکترین حامی آن مورد نقد قرار می‌گیرد و این نتیجه حاصل می‌شود که نگاه نوین مقنن انطباق کامل با مقتضیات نظام‌های ثبتی، ضرورت‌های حقوق مالکیت صنعتی و مجرای قرار اناطه دارد.

واژگان کلیدی: حقوق مالکیت صنعتی، اختراع، طرح صنعتی، علامت تجاری، انحصار بلاجهت، قرار اناطه.

مقدمه

زمانی می‌توان موضوعات حقوق مالکیت صنعتی اعم از اختراع، طرح صنعتی یا علامت تجاری را در قلمرو مالکیت یک شخص دانست و آن شخص را دارنده حقوق انحصاری محسوب کرد که آن موضوع پس از احراز شرایط ماهوی و شکلی در اداره مالکیت صنعتی به ثبت برسد.

همواره ممکن است اشخاص دیگر بدون اذن دارنده گواهی‌نامه اقدام به بهره‌برداری از موضوع ثبت‌شده کنند؛ امری که در صورت اثبات، نقض حق دارنده حقوق انحصاری محسوب می‌شود. ازاین‌رو این شخص حق دارد با مراجعه به مراجع قضایی، حسب مورد، خواستار منع استفاده، جبران خسارت و محکومیت کیفری شخص ناقض شود.

مسئله اصلی مقاله حاضر این است که وقتی دعوی نقض حقوق مالکیت صنعتی مطرح می‌شود، گواهی‌نامه ثبت تا چه حد اعتبار دارد؟ آیا صرفاً به جهت اینکه موضوع مورد نظر به ثبت رسیده و گواهی‌نامه‌ای صادر شده، مرجع قضایی مکلف است مشتکی‌عنه یا خوانده را محکوم کند یا اینکه ضرورت دارد مقدماً با ارجاع امر به کارشناس، اقدام به بررسی صحت یا عدم صحت ثبت پدیده صنعتی کند؟ در سال‌های اخیر و قبل از تصویب قانون حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳، رویه مراجع کیفری این‌گونه بود که مستقیماً و حتی بدون مواجه شدن با دفاع بی‌اعتباری گواهی‌نامه از جانب مشتکی‌عنه، به مسئله اعتبار گواهی‌نامه ورود می‌کردند و در صورت عدم احراز شرایط ماهوی، اقدام به صدور قرار منع تعقیب می‌کردند. استدلال مراجع مزبور این بود که مرجع ثبت در ارزیابی منتهی به صدور گواهی‌نامه، عملاً بر اساس سیستم اعلامی اقدام می‌کند و دقت لازم به عمل نمی‌آید. درنتیجه، با توجه به اینکه حقوق انحصاری صرفاً نسبت به پدیده صنعتی واجد شرایط قابل تصور است، در صورت احراز نادرستی ثبت، دارنده گواهی‌نامه را فاقد حق می‌دانستند.^۱ دراین خصوص، برخی نویسندگان با ارائه استدلال‌هایی و بر مبنای این گزاره که مرجع ثبت اصولاً دقت لازم را در ارزیابی موضوعات به خرج نمی‌دهد، از این رویه دفاع کرده و آن را تلاشی قابل تقدیر جهت صدور آرای کیفری متقن انگاشته‌اند که می‌تواند منطبق با مقتضای اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری باشد (شاکری و بهادری جهرمی، ۱۴۰۰، ص. ۲۲۰).

۱. برای مثال، در پرونده‌های منتهی به قرار شماره ۹۸۰۹۹۷۲۱۲۰۲۰۰۹۲۱ و شماره ۹۸۰۹۹۷۲۱۲۰۲۰۰۷۱۸ در شعبه ۲ دادیاری دادرای ناحیه ۲۶.

باین حال، ماده ۱۳۳ قانون حمایت از مالکیت صنعتی مصوب ۱۴۰۳، حاوی حکمی مخالف با رویه مراجع کیفری و نظریات نویسندگان حامی آن است. این ماده مقرر داشته است «هرگاه متهم در مراجع کیفری موضوع این قانون، ادعای بی اعتبار بودن گواهی نامه ثبت شاکی را مطرح کند، در صورت وجود قرائن و امارات قابل قبول، وفق ماده ۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری، قرار اناطه صادر می شود. در این موارد چنانچه بیم تأمین نشدن خسارات وارد شده بر شاکی وجود داشته باشد، دادگاه می تواند از متهم تأمین مناسب اخذ کند...». در نتیجه، مرجع کیفری اختیار ندارد به مسئله صحت ثبت و اعتبار گواهی نامه ورود کند، بلکه در صورت مواجه شدن با دفاع بی اعتباری گواهی نامه، صرفاً حق دارد اقدام به صدور قرار اناطه کند تا متهم ظرف یک ماه دعوی ابطال گواهی نامه را در مرجع حقوقی طرح کند. در نهایت، در صورت ابطال گواهی نامه، قرار منع تعقیب یا حکم برائت صادر می شود. در غیر این صورت متهم محکوم خواهد شد.

حال این سؤال مطرح می شود که رویه قضایی پیشین مطابقت بیشتری با موازین حقوق مالکیت صنعتی و آیین دادرسی دارد یا رویکرد قانون جدید؟ در هر صورت، مراجع کیفری با اتکا بر مجموعه ای از استدلال ها، قائل به امکان ورود به مسئله صحت ثبت بدون نیاز به طرح دعوی ابطال گواهی نامه بودند که عمده آن ها ریشه در اقتضای روش ثبت از حیث اعلامی یا سنجشی بودن و ضرورت رفع انحصار بلاجهت و نیز عدم امکان صدور قرار اناطه بر اساس ماده ۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری داشته است، اما وضع قانون جدید، رویکردی کاملاً متفاوت اتخاذ کرده است. درست است که رویکرد حاضر قانون گذار روشن است و مراجع قضایی از ورود مستقیم به ارزیابی صحت ثبت منع شده اند، اما ارزیابی مبنایی بحث از اهمیت بالایی برخوردار است و ضروری محسوب می شود؛ زیرا باید تحلیل شود که آیا رویکرد وضع قانون حمایت از مالکیت صنعتی مناسب حال جامعه بوده است یا خیر؟ به تعبیر دیگر، با توجه به اینکه حکم قانون جدید متفاوت از رویه قضایی سابق است، این سؤال مطرح می شود که آیا همان رویکرد رویه قضایی سابق مطابقت بیشتری با منافع اجتماعی نداشت؟ قانون گذار بر چه اساس اقدام به وضع قانون جدید و عملاً ابتکار عمل را از مراجع کیفری سلب کرده است؟ از این رو لازم است مبنای ماده ۱۳۳ قانون جدید به دقت مورد بررسی قرار گیرد تا مشخص شود که مدلول آن تا چه میزان مناسب وضع جامعه است.

در نوشتار حاضر سعی بر آن است که ضمن پاسخ به سه سؤال زیر، حدود کارایی مقرر ماده ۱۳۳ قانون حمایت از مالکیت صنعتی مورد تحلیل قرار گیرد.

۱. آیا ورود مرجع قضایی به مسئله اعتبار یا عدم اعتبار گواهی‌نامه، انطباقی با مقتضیات ثبت‌محور بودن روش حمایت از حقوق مالکیت صنعتی دارد یا خیر؟
۲. آیا ورود مرجع قضایی به مسئله اعتبار یا عدم اعتبار گواهی‌نامه، انطباقی با ضرورت‌های حقوق مالکیت صنعتی به‌عنوان ابزار سنجش حدود کارایی^۱ مقررات حقوق مالکیت صنعتی دارد یا خیر؟

۳. با توجه به قواعد آیین دادرسی کیفری، آیا مسئله مورد بحث در مجرای قرار اناطه قرار می‌گیرد؟ ضرورت بررسی این موضوع از آن جهت است که در قرارهای متعدد منع تعقیب قید شده است که «با توجه به ماده ۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات و الحاقات بعدی، قرار اناطه فقط در خصوص اموال غیرمنقول مصداق پیدا می‌کند (درحالی‌که دارای‌های فکری اموال ویژه‌ای هستند و تابع نظام خاص خود) و نمی‌توان احکام مربوط به اموال سنتی را بر آن‌ها بار کرد»^۲. بنابراین، جا دارد به‌طور دقیق قلمرو قرار اناطه و امکان تمسک به آن در مسئله حاضر مورد تحلیل قرار گیرد تا حدود انطباق رویکرد ماده ۱۳۳ با مقتضیات آیین دادرسی کیفری مشخص شود. در این رابطه، این سؤال مطرح است که آیا تفسیر رویه قضایی پیشین از مجرای قرار اناطه صحیح بوده است و با توجه به تبصره ۲ ماده ۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری، اموال موضوع حقوق مالکیت صنعتی از قلمرو و مجرای قرار اناطه خارج بوده‌اند یا اینکه تفسیر رویه قضایی پیشین از تبصره ۲ ماده ۲۱ ناصواب بوده است و حتی بدون نیاز به وضع قانون جدید، ممنوعیتی در صدور قرار اناطه وجود نداشت؟ نتیجه رویکرد اول این خواهد بود که حکم ماده ۱۳۳ قانون جدید حمایت از مالکیت صنعتی، تبصره ۲ ماده ۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری را به‌طور جزئی نسخ و برخی اموال منقول را وارد قلمرو قرار اناطه کرده است. در مقابل، نتیجه رویکرد دوم این است که اموال موضوع حقوق

1. Efficiency

۲. ازجمله در قرارهای شماره ۹۸۰۹۹۷۲۱۲۰۲۰۰۹۲۱، ۹۷۰۹۹۷۲۱۲۰۲۰۰۶۰۰ و ۹۶۰۹۹۷۲۱۲۰۲۰۱۱۹۹ صادره از شعبه

۲ دادسرای ناحیه ۲۶.

مالکیت صنعتی حتی بدون وضع ماده ۱۳۳ در قلمرو و مجرای قرار اناطه جای داشته‌اند. از این رو ماده ۱۳۳ صرفاً در مقام شفاف‌سازی و مرتفع کردن تفسیر ناصواب رویه قضایی از ماده ۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری وضع شده است. مطالب این مقاله را به سه گفتار تقسیم می‌کنیم و به ترتیب، به تحلیل پرسش‌های فوق می‌پردازیم.

۱. حدود اعتبار گواهی‌نامه از منظر مقتضیات ثبت‌محور بودن روش حمایت در حقوق مالکیت صنعتی

نظام‌های ثبتی با هدف تحقق دو کارکرد حمایتی و اطلاع‌رسانی پا به عرصه وجود گذاشته‌اند. مراد از کارکرد حمایتی این است که به محض ثبت، مجموعه‌ای از حقوق نسبت به موضوع ثبت‌شده برای شخص ثبت‌کننده پدید می‌آید و منظور از کارکرد اطلاع‌رسانی، آگاه کردن اشخاص حاضر در جامعه از موضوع و دایره حقوق استقرار یافته در قلمرو دارایی اشخاص است (طباطبایی حصاری و صادقی مقدم، ۱۳۹۴، ص. ۶۴۸). در کشورهای گوناگون با دو سیستم سنجشی و اعلامی برای ثبت موضوعات حقوق مالکیت صنعتی مواجه هستیم. در نظام‌های سنجشی، مرجع ثبت پس از ارزیابی دقیق شرایط ماهوی اقدام به ثبت پدیده صنعتی می‌کند، اما در نظام‌های اعلامی، صرفاً شرایط شکلی مورد توجه قرار می‌گیرند.

سؤال این است که آیا انتخاب هر کدام از این دو روش می‌تواند در حدود اعتبار گواهی‌نامه مالکیت صنعتی اثرگذار باشد؟ آیا صدور گواهی‌نامه بر اساس روش اعلامی به معنای این است که دارنده گواهی‌نامه، حق انحصاری مطلق داشته است و اگر اقدام به طرح دعوی نقض کند، مرجع قضایی مکلف است بر اساس آن سند، خوانده را محکوم کند؟ رویکرد نظام‌های حقوقی مبتنی بر روش اعلامی به چه ترتیب بوده است؟ در این خصوص، برخی نویسندگان بیان داشته‌اند در نظام‌های ثبت سنجشی، مرجع قضایی اصولاً نمی‌تواند رأساً به مسئله صحت ثبت و اعتبار گواهی‌نامه ورود کند، اما در نظام‌های ثبت اعلامی، مرجع قضایی با چنین تکلیفی مواجه است (بهادری جهرمی و شاکری، ۱۳۹۵، ص. ۱۲۱۴، شاکری و بهادری جهرمی، ۱۴۰۰، ص. ۲۰۵). از این رو برای تبیین این مسئله، موضوع را در دو مبحث بررسی خواهیم کرد. در مبحث نخست، به تشریح رویکرد مزبور مبنی بر تفاوت دو نظام اعلامی و سنجشی در خصوص حدود اعتبار گواهی‌نامه می‌پردازیم و در مبحث دوم، به شناسایی محل استقرار حقوق انحصاری در نظام حقوق

مالکیت صنعتی ایران خواهیم پرداخت.

۱.۱. تشریح رویکرد مبتنی بر تفاوت نظام اعلامی و سنجشی در خصوص حدود اعتبار گواهی‌نامه

برخی نویسندگان در تعریف «اصل اعتبار گواهی‌نامه ثبت اختراع»^۱ بیان داشته‌اند «منظور از اعتبار گواهی‌نامه این است که با توجه به اینکه گواهی‌نامه از سوی مقامات دولتی و با رعایت مقررات مربوط طی یک نظام تحقیقی صادر شده است، دادگاه‌ها باید در صورت ارائه گواهی ثبت اختراع توسط طرفین دعوی به منزله سند مثبت حق، همه اجزای این سند را معتبر بدانند و با اعتماد به آن در خصوص دعوی تصمیم‌گیری کنند» (شاکری و بهادری جهرمی، ۱۴۰۰، ص. ۲۰۵). همان‌طور که در این تعریف مشهود است، این نویسندگان اعتبار گواهی‌نامه و امکان اتکای مرجع قضایی به گواهی‌نامه صادره و الزام ایشان به رسیدگی را منوط به این دانسته‌اند که ثبت پدیده‌های صنعتی بر اساس نظام سنجشی انجام شود و چنین اعتباری را برای گواهی‌نامه‌های صادره از نظام ثبت اعلامی قائل نیستند. همچنین، در ادامه بیان داشته‌اند که گواهی‌نامه صادره تحت نظام اعلامی صرفاً سندی دال بر زمان ثبت اختراع است که محدوده آن و جنبه‌های مورد حمایت را نشان نمی‌دهد (بهادری جهرمی و شاکری، ۱۳۹۵، ص. ۱۲۱۳).

طرف‌داران این رویکرد معتقدند در نظام‌های ثبت اعلامی، ارزیابی اصلی اعتبار گواهی‌نامه در دادگاه انجام می‌شود نه در اداره ثبت مالکیت صنعتی و به همین دلیل، گواهی‌نامه‌های صادره در سیستم‌های اعلامی دلالتی بر استقرار حقوق انحصاری در قلمرو دارایی دارنده گواهی‌نامه ندارند، بلکه حقوق انحصاری نسبت به پدیده صنعتی واجد شرایط برقرار می‌شود. بدین معنا که اگر اختراعی واجد شرایط سه‌گانه ماهوی ثبت نباشد، اساساً هیچ حقی به آن شخص تعلق نمی‌گیرد ولو آنکه اختراع مورد نظر به ثبت رسیده باشد. خلاصه اینکه، در نظام‌های اعلامی، گواهی‌نامه صادره هیچ دلالتی بر ابتکاری بودن اختراع یا داشتن کاربرد صنعتی و تازگی آن ندارد و قانون‌گذار مسئولیت نهایی بررسی شرایط قانونی ثبت و اعطای حق را بر عهده دادگاه گذاشته است (بهادری جهرمی و شاکری، ۱۳۹۵، ص. ۱۲۱۳). از دیدگاه این نویسندگان، تفاوت اصلی نظام‌های ثبت اعلامی و سنجشی این است که در نظام‌های اعلامی، گواهی‌نامه ثبت از جهت

شرایط ماهوی ثبت و وجود حق انحصاری هیچ‌گونه سندیتی ندارد و نفس صدور گواهی‌نامه به منزله اعطای حقوق انحصاری به شخص دارنده گواهی‌نامه نیست، اما در کشورهای مبتنی بر نظام سنجشی، به صرف ثبت و صدور گواهی‌نامه، حقوق انحصاری به شخص اعطا می‌شود.

اصولاً در مقام روشن کردن بیشتر این تفکیک، به ادبیات متفاوت قانون ثبت علائم و اختراعات ۱۳۱۰ (به عنوان قانون مبتنی بر نظام اعلامی) و قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری ۱۳۸۶ (به عنوان قانون مبتنی بر سیستم سنجشی) استناد می‌شود. برای مثال، ماده ۳ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری ۱۳۸۶ مقرر داشته است «گواهی‌نامه اختراع سندی است که اداره مالکیت صنعتی برای حمایت از اختراع صادر می‌کند و دارنده آن می‌تواند از حقوق انحصاری بهره‌مند شود». همچنین، ماده ۱۵ این قانون بیان داشته است «حقوق ناشی از گواهی‌نامه اختراع به ترتیب زیر است: الف. بهره‌برداری از اختراع ثبت‌شده در ایران توسط اشخاصی غیر از مالک اختراع مشروط به موافقت مالک است...». در واقع، از نظر قائلین رویکرد مارالذکر، یکی از نمودهای تفاوت نظام‌های اعلامی و سنجشی در این است که در قانون ۱۳۱۰، هیچ ماده‌ای که دلالت بر سندیت مطلق گواهی‌نامه اختراع داشته باشد و حقوق ناشی از ثبت را احصا کرده باشد، وجود ندارد، اما برعکس، قانون ۱۳۸۶ که مبتنی بر روش ثبت سنجشی است، حاوی موادی با این محتواست.

نقطه ثقل استدلال این نویسندگان، ماده ۳۶ قانون ثبت علائم و اختراعات ۱۳۱۰ است. همان‌طور که بیان شد، این قانون مبتنی بر سیستم ثبت اعلامی بود و براین اساس، ماده ۳۶ این قانون مقرر می‌داشت «ورقه اختراع به هیچ‌وجه برای قابل استفاده بودن و یا جدید بودن و یا حقیقی بودن اختراع سندیت ندارد و همچنین، ورقه مزبور به هیچ‌وجه دلالت بر این نمی‌کند که تقاضاکننده یا موکل او مخترع واقعی می‌باشد و یا شرح اختراع و یا نقشه‌های آن صحیح است و اشخاص ذی‌نفع می‌توانند نسبت به موارد مزبوره در محکمه ابتدایی تهران اقامه دعوی کرده و خلاف آن را ثابت نمایند». از این ماده برداشت کرده‌اند که «... استناد به اصل (منظور اصل اعتبار گواهی‌نامه ثبت اختراع است) در نظام‌های اعلامی چندان قابل دفاع نیست؛ چراکه اصولاً از ابتدا بررسی خاصی روی تقاضانامه انجام نشده است که دادگاه بخواهد ارزش خاصی برای آن گواهی قائل باشد کما اینکه، حتی قانون ثبت اختراع سابق ایران نیز در ماده ۳۶ خود، اعتبار خاصی از نظر

ماهوی برای گواهی صادره قائل نشده است» (بهادری جهرمی و شاکری، ۱۳۹۵، ص. ۱۲۲۱). درنهایت، بیان داشته‌اند در دعوی نقض حق اختراع در خصوص گواهی که طبق نظام اعلامی صادر شده است، دادگاه باید فی‌البداهه وجود شرایط اختراع را احراز کند. بنابراین، نمی‌توان گفت اثبات بی‌اعتباری به عهده متهم به نقض است؛ زیرا اصولاً در مسائل ماهوی اعتبار خاصی برای گواهی وجود ندارد. نتیجه آنکه، در سیستم‌های ثبت اعلامی اولاً، ثبت اختراع و وجود گواهی‌نامه دلالتی بر صحت ثبت و وجود شرایط ماهوی ندارد. ثانیاً، بار اثبات اعتبار گواهی‌نامه با دارنده گواهی‌نامه است و دادگاه رأساً باید به موضوع اعتبار ثبت ورود کند.

از دیدگاه راقمین این سطور، گواهی‌نامه ثبت در سیستم‌های اعلامی هیچ سندیتی در خصوص وجود شرایط ماهوی ثبت ندارد؛ زیرا اساساً هیچ بررسی‌ای در این خصوص انجام نشده و ماده ۳۶ قانون ثبت علائم و اختراعات ۱۳۱۰ نیز به صراحت این امر را بیان داشته است. مطالعه تطبیقی موضوع نیز نشان می‌دهد که سایر کشورهای مبتنی بر نظام اعلامی حاوی مقررات مشابه هستند. برای مثال، قانون ثبت اختراعات لبنان مصوب ۲۰۰۰ (به‌عنوان کشوری مبتنی بر نظام اعلامی)، در ماده ۱۶ مقرر داشته است «گواهی‌نامه صادره به‌هیچ‌وجه ارزش، صحت توصیف، کاربرد صنعتی یا خلاقانه بودن اختراع را تضمین نمی‌کند»^۱، اما آیا این بدان معناست که گواهی‌نامه‌های صادره در سیستم‌های اعلامی هیچ‌گونه دلالتی بر وجود حق انحصاری ندارند؟ به نظر می‌آید تحلیل این بحث نیازمند شناسایی آن موضوعی است که حق انحصاری بدان تعلق می‌گیرد؛ امری که در مبحث بعد بدان خواهیم پرداخت.

۲.۱. تأثیر روش ثبت (از جهت اعلامی و سنجشی بودن) بر حدود اعتبار گواهی‌نامه با شناسایی موضوع و محل استقرار حقوق انحصاری

سؤالی که مطرح می‌شود، این است که حقوق انحصاری به چه موضوعی تعلق می‌گیرد و چه چیزی موجب حق انحصاری است؟ در پاسخ، سه موضوع را می‌توان به‌عنوان موضوع حقوق انحصاری تصور کرد.

گزینه اول اینکه بگوییم حق انحصاری نسبت به موضوعی ایجاد می‌شود که واجد شرایط

1. The patent is issued without guarantee as to the soundness, value, honesty or precision of description, industrial applicability or creativity of the invention.

ماهوی است؛ حال چه ثبت شده و چه ثبت نشده باشد. در این روش، عملاً ثبت تأثیری در ایجاد و استقرار حقوق انحصاری ندارد.

گزینه دوم این است که بگوییم حقوق انحصاری نسبت به موضوعاتی تعلق می‌گیرد که شرایط ماهوی را دارند، اما استقرار این حقوق منوط به این است که آن موضوع به ثبت رسیده باشد. در این رویکرد، ثبت، شرط لازم برای اعطای حق است، اما به هیچ وجه شرط کافی نیست. قانون حمایت از نرم‌افزارهای رایانه‌ای در بحث اختراعات نرم‌افزاری مبتنی بر این رویکرد است. طبق ماده ۲ این قانون، در صورت وجود شرایط لازم در قانون ثبت اختراعات، نرم‌افزار به عنوان اختراع شناخته می‌شود، اما طبق ماده ۹ این قانون، اقامه دعوی و به تعبیر دیگر، استقرار حقوق انحصاری منوط به ثبت آن نرم‌افزار است. در واقع، آنچه موجب حق انحصاری است، وجود شرایط ماهوی بوده، اما امکان استناد به این حق انحصاری منوط به ثبت اختراع است.

گزینه سوم این است که حقوق انحصاری به موضوعاتی تعلق می‌گیرد که ثبت شده باشند؛ البته برای اینکه موضوعات به ثبت برسند، لازم است تمام شرایط ماهوی محقق باشد، اما در هر حال، پس از ثبت پدیده صنعتی، صرف نظر از صحت یا عدم صحت ثبت، به جهت صدور گواهی‌نامه، حقوق انحصاری ایجاد و مستقر می‌شود؛ در ضمن، ممکن است بعدها این گواهی‌نامه ثبت باطل شود و با لحاظ اینکه ابطال اثر قهقراپی دارد، کاشف به عمل آید که از ابتدا گواهی‌نامه‌ای وجود نداشته و به تبع، هیچ گاه حقی به وجود نیامده است.

به نظر می‌رسد قطع نظر از اینکه نظام ثبت از نوع اعلامی یا از نوع سنجشی باشد، ضرورت دارد به نص قانون مراجعه کنیم و دریابیم که کدام یک از گزینه‌های فوق مورد پذیرش قانون‌گذار قرار گرفته است. مستنبط از مواد ۳، ۱۵، ۲۸ و ۴۰ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری ۱۳۸۶^۱ می‌توان گفت در این قانون صرف نظر از روش ثبت پدیده‌های صنعتی، برای هر سه موضوع اختراع، طرح و علامت تجاری رویکرد سوم مورد تبعیت قرار گرفته است. ماده ۳ قانون ۱۳۸۶ مقرر داشته «گواهی‌نامه اختراع سندی است که اداره مالکیت صنعتی برای حمایت از اختراع صادر می‌کند و دارندة آن می‌تواند از حقوق انحصاری بهره‌مند شود». مضاف بر اینکه، در

۱. از این پس از عبارت قانون ۱۳۸۶ استفاده می‌شود.

مواد ۲۸ و ۴۰ این قانون حکمی مشابه در خصوص طرح صنعتی و علامت تجاری بیان شده است. بنابراین، آنچه موجب حق انحصاری است، صرف ثبت پدیده صنعتی مورد نظر است؛ چه این ثبت به درستی انجام شده و چه به صورت نادرست انجام شده باشد؛ البته ممکن است بعداً با ابطال گواهی‌نامه و جاری شدن اثر قهقرایی، کاشف به عمل آید که اصلاً از ابتدا حق انحصاری وجود نداشته است.

همچنین، به دلالت مواد ۱۱، ۳۳، ۷۵، ۷۶، ۸۲، ۹۴ و ۱۰۹ می‌توان گفت رویکرد قانون حمایت از مالکیت صنعتی مصوب ۱۴۰۳ نیز دقیقاً مانند قانون ۱۳۸۶ بوده است. برای مثال، ماده ۳۳ این قانون مقرر داشته که «جنبه‌های مادی حقوق ناشی از اختراع یا حق بهره‌برداری انحصاری از آن متعلق به دارنده گواهی‌نامه است».

بنابراین، با توجه به نص قانون، استدلال برخی قضات که در آرای خود، پدیده صنعتی واجد شرایط را موضوع حق انحصاری می‌دانند و استقرار حق انحصاری را منوط به این دانسته‌اند که مرجع قضایی وجود شرایط ماهوی را با ارجاع امر به کارشناس احراز کند، ناصواب می‌نماید. برای مثال، در یکی از قرارهای منع تعقیب صادره از شعبه ۲ دادیاری دادرای ناحیه ۲۶ آمده است «جهت برقراری حمایت حقوقی و کیفری و احراز شرایط ماهوی برای قاضی لازم است پدیده صنعتی ثبت شده به عنوان موضوع جرم، واجد شرایط ماهوی به رسمیت شناخته شده باشد» (قرار شماره ۹۸۰۹۹۷۲۱۲۰۲۰۰۹۲۱ شعبه ۲ دادیاری دادرای ناحیه ۲۶). گویی قاضی صادرکننده این رأی، عقیده بر جریان رویکرد گزینه دوم در نظام حقوقی ایران داشته و معتقد است ثبت، شرط لازم برای حمایت است، اما شرط کافی نیست و برای برقراری حقوق انحصاری ضرورت دارد در هر مورد بررسی شود که شرایط ثبت وجود داشته یا نداشته است.

بنابراین، به نظر می‌رسد طبق قانون ۱۳۸۶ و نیز قانون ۱۴۰۳، شرط لازم و کافی برای برقراری حقوق انحصاری، ثبت پدیده صنعتی است که در نتیجه آن، حقوقی به شخص ثبت‌کننده اعطا می‌شود که با پایان مدت حمایت از آن پدیده صنعتی یا با ابطال گواهی‌نامه از بین می‌رود. حال به سراغ نظام‌های اعلامی می‌رویم. آیا در این نظام‌ها، رویکرد سوم پذیرفته شده است یا

۱. از این پس از عبارت قانون ۱۴۰۳ استفاده می‌شود.

قانون‌گذاران متمایل به رویکرد دوم بوده و در واقع، ثبت را شرط لازم، اما غیرکافی برای برقراری حقوق انحصاری انگاشته‌اند؟ همان‌طور که قبلاً بیان شد، برخی نویسندگان بیان داشته‌اند که در نظام‌های اعلامی، صرف ثبت به معنای برقراری حقوق انحصاری نیست و در مقام ارائه مثال به کشورهای لبنان و ایتالیا و همین‌طور قانون ثبت علائم و اختراعات ۱۳۱۰ اشاره کرده‌اند (بهادری جهرمی و شاکری، ۱۳۹۵، ص. ۱۲۱۴؛ شاکری و بهادری جهرمی، ۱۴۰۰، ص. ۲۰۵)؛ عقیده‌ای که در برخی از آرای مراجع کیفری نیز انعکاس یافته است (قرار شماره ۹۸۰۹۹۷۲۱۲۰۲۰۰۹۲۱ شعبه ۲ دادیاری دادرسی ناحیه ۲۶). اگر این ادعا صحیح باشد، قاعدتاً نظام‌های اعلامی متمایل به رویکرد دوم هستند.

تا آنجا که مورد بررسی نگارندگان مقاله حاضر قرار گرفته، نظر نویسندگان مزبور بر پایه‌هایی نادرست بنا نهاده شده و مثال‌های ارائه‌شده ایشان از کشورهای دیگر ناصواب است؛ با این توضیح که اولاً، در نظام حقوقی ایتالیا روش ثبت مبتنی بر روش سنجشی و نه روش اعلامی بوده است.^۱ ثانیاً، در لبنان به‌عنوان کشور مبتنی بر نظام اعلامی، چنین رویکردی اتخاذ نشده است. ماده ۱۶ قانون ثبت اختراعات لبنان بیان داشته است گواهی‌نامه ثبت هیچ دلالتی بر وجود شرایط ماهوی اختراع ندارد، اما در ماده ۵ آمده است «دارنده گواهی‌نامه، حق انحصاری بهره‌برداری از اختراع موضوع گواهی‌نامه را برای ۲۰ سال از تاریخ تسلیم اظهارنامه دارد»^۲. همچنین، در ماده ۱۶، مصادیق حقوق انحصاری و در ماده ۴۰ ضمانت اجرای نقض حق به تفصیل بیان شده‌اند بدون اینکه به جهت اعلامی بودن سیستم ثبت، مجوزی برای ورود دادگاه به بررسی اعتبار گواهی‌نامه داده شده باشد. در واقع، در نظام حقوقی لبنان، به دلالت مواد مارالذکر، به صرف ثبت اختراع، حقوق انحصاری برای شخص پدید می‌آید و قاعدتاً این حقوق انحصاری تا زمان بقای گواهی‌نامه به قوت خود باقی خواهند بود. بنابراین، نحوه استدلال قائلین به تفاوت نظام‌های اعلامی و سنجشی در خصوص حدود اعتبار گواهی‌نامه از جهت تطبیقی و اساس استناد به نظام حقوقی

۱. البته استثنائاً در رابطه با اختراعاتی که درخواست ثبت آن‌ها بر اساس حق تقدم تقدیم می‌شود، روش ثبت اعلامی است، اما این امر تأثیری بر حقوق انحصاری ناشی از ثبت این اختراعات ندارد.

2. Art 5: "the patentee has the exclusive rights to exploit the invention subject matter of a patent in twenty years from the date of filing."

لبنان کاملاً مخدوش می‌نماید.

حال به سراغ قانون ۱۳۱۰ می‌رویم. ماده ۲۶ این قانون مقرر داشته است «هر قسم اکتشاف یا اختراع جدید در شعب مختلفه صنعتی یا فلاحتی به کاشف یا مخترع آن حق انحصاری می‌دهد که بر طبق شرایط و در مدت مقرر در این قانون، از اکتشاف یا اختراع خود استفاده کند مشروط بر اینکه اکتشاف یا اختراع مزبور مطابق مقررات این قانون در اداره ثبت اسناد تهران به ثبت رسیده باشد». از سوی دیگر، ماده ۳۶ قانون مقرر داشته است «ورقه اختراع به هیچ وجه برای قابل استفاده بودن و یا جدید بودن و یا حقیقی بودن اختراع سندیت ندارد و همچنین، ورقه مزبور به هیچ وجه دلالت بر این نمی‌کند که تقاضاکننده یا موکل او مخترع واقعی می‌باشد و یا شرح اختراع و یا نقشه‌های آن صحیح است و اشخاص ذی‌نفع می‌توانند نسبت به موارد مزبوره در محکمه ابتدایی تهران اقامه دعوی کرده و خلاف آن را ثابت نمایند». اگر این دو ماده را با هم جمع کنیم، شاید بتوان رویکرد قانون‌گذار را متمایل بر پذیرش گزینه دوم دانست.

اگر دقیق‌تر به مواد قانون ۱۳۱۰ بنگریم، نتیجه دیگری حاصل می‌شود؛ زیرا ماده ۳۳ متضمن حکمی است که مدلول صریح آن نشان از تمایل قانون‌گذار به رویکرد سوم دارد. این ماده بیان داشته است «مدت اعتبار ورقه اختراع به تقاضای مخترع ۵ یا ۱۰ یا ۱۵ یا متاهی ۲۰ سال خواهد بود. در مدت مزبور که باید صراحتاً در ورقه اختراع قید شود، مخترع یا قائم‌مقام قانونی او، حق انحصاری ساخت یا فروش یا اعمال و یا استفاده از اختراع خود را خواهد داشت». همان‌طور که مشاهده می‌شود، این ماده هم مانند مواد ۳، ۱۵، ۲۸ و ۴۱ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ مقرر داشته است که در مدت حیات ورقه اختراع، دارنده ورقه اختراع حق انحصاری بهره‌برداری از اختراع را دارد. بنابراین، تا زمانی که این گواهی‌نامه به قوت خود باقی است و به حیات خود ادامه می‌دهد، حقوق انحصاری برقرار و باقی است و ضرورت دارد ضمانت اجراهای حقوق مالکیت صنعتی نسبت به آن‌ها برقرار باشد.

مطالب فوق نشان می‌دهد این دیدگاه که در نظام ثبت اعلامی، حق انحصاری مطلق پدید نمی‌آید، انطباقی با نص قانون ندارد. با تفکیک بین دو موضوع روش ثبت و وجود حق انحصاری که اتفاقاً طبق ماده ۳۳ قانون ۱۳۱۰ به صراحت در متن گواهی‌نامه بدان اشاره شده است، می‌توان بر این عقیده بود که تا زمان اعتبار گواهی‌نامه، مرجع قضایی مکلف است بدان ترتیب اثر دهد و ضمانت اجراهای نقض را نسبت به اعمال متضمن نقض جاری بداند. همچنین، نظر آن نویسندگانی

که بیان داشته‌اند قانون ۱۳۱۰ در ماده ۳۶ چندان اعتباری برای گواهی‌نامه ثبت قائل نبوده است، مطابق با واقع نیست؛ زیرا اولاً، طبق ماده ۳۳ در گواهی‌نامه قید می‌شود برای دوره زمانی مورد نظر مورد حقوق انحصاری است. ثانیاً، در همان ماده ۳۶ بیان شده است که هرکس ادعایی دارد، باید اقامه دعوی کند و عدم اعتبار گواهی‌نامه را اثبات کند و در ادامه، در ماده ۳۷، به بحث ابطال گواهی‌نامه اختراع اشاره شده است. به بیان دیگر، اصلاً در ماده ۳۶ بیان نشده صدور گواهی‌نامه به معنای برقراری حقوق انحصاری نیست؛ بلکه صرفاً بیان شده صدور گواهی‌نامه به معنای وجود شرایط ماهوی ثبت نیست و تکلیف وجود یا عدم وجود حقوق انحصاری در ماده ۳۳ تعیین شده است.

لازم به ذکر است که قانون‌گذار با پیش‌بینی احتمال اشتباه مرجع ثبت در صدور گواهی‌نامه، امکان ابطال گواهی‌نامه را قاعده‌سازی کرده است. حال اگر بنا بر این بود که حقوق انحصاری به تبع ثبت، مستقر و برقرار نباشد و با طرح ادعایی مثل فقدان شرایط ماهوی ثبت بدون اینکه دعوی ابطال طرح شده باشد، مرجع قضایی به ارزیابی شرایط ثبت ورود کند و در پی احراز فقدان شرایط ماهوی، به گواهی‌نامه ترتیب اثر ندهد، اساساً چه نیازی به پیش‌بینی نهاد ابطال گواهی‌نامه در قانون وجود داشت؟ وقتی خود دادگاه‌ها می‌توانستند در مقام اعمال ضمانت اجراها و در مواقعی که درمی‌یابند مال فکری قابل ثبت نبوده است از اعمال ضمانت اجرا خودداری کنند، منطقی نیازی به قاعده‌سازی نهاد ابطال وجود نداشت. بنابراین، امر نشان از این دارد که ورود مرجع قضایی به مسئله اعتبار گواهی‌نامه در شرایطی که هنوز دعوی ابطال طرح نشده است، هیچ‌گونه مطابقتی با مقتضیات نظام ثبت مالکیت صنعتی و نص قانون ندارد.

آنچه تعیین‌کننده است، رویکرد قانون در خصوص محل استقرار حق انحصاری است و روش ثبت از حیث اعلامی یا سنجشی مؤثر در مقام نیست. لازم به ذکر است که حتی اگر عقیده بر افتراق رویکرد کشورهای مبتنی بر روش اعلامی و سنجشی داشته باشیم، اساساً چنین موضوعی در ایران محلی از اعراب ندارد؛ زیرا طبق مواد ۲۶، ۷۵، ۸۰ و ۱۰۱ قانون ۱۴۰۳، ارزیابی تمام

مصادیق مالکیت صنعتی بر اساس روش سنجشی انجام می‌شود.^۱ در نتیجه، رویکرد ماده ۱۳۳ قانون ۱۴۰۳ مبنی بر ممنوعیت مرجع کیفری از ورود به مسئله اعتبار گواهی‌نامه و ارزیابی صحت ثبت انطباق کامل با مقتضیات نظام‌های ثبتی دارد.

۲. تحلیل بحث از منظر ضرورت‌های حقوق مالکیت صنعتی

در بخش اول به این جمع‌بندی رسیدیم که از منظر مقتضیات ثبت‌محور بودن روش حمایت از مالکیت صنعتی، مرجع قضایی در مقام رسیدگی به دعوی یا شکایت نقض نمی‌تواند رأساً به مسئله اعتبار گواهی‌نامه ثبت ورود کند. در گفتار حاضر سعی بر آن است که این موضوع از جهت ضرورت‌های حقوق مالکیت صنعتی مورد تحلیل قرار گیرد. در واقع، در این گفتار قصد داریم با تمسک به ضرورت‌های حقوق مالکیت صنعتی به عنوان معیار و ابزار افزایش کارایی در قاعده‌سازی حقوق مالکیت صنعتی به تحلیل اقتصادی مانحن‌فیه بپردازیم. از این رو لازم است ابتدا در مبحث اول، مفهوم ضرورت‌های حقوق مالکیت صنعتی تشریح شود تا مخاطب به ادبیاتی مشترک با راقمین این اثر در رابطه با مفهوم این ضرورت‌ها برسد و سپس در مبحث دوم، اقتضای این ضرورت‌ها در خصوص حدود اعتبار گواهی‌نامه حقوق مالکیت صنعتی در دعاوی نقض مورد

۱. گذشته از این‌ها، اخیراً رویه‌ای در مراجع کیفری از جمله در قرارهای شماره ۹۷۰۹۹۷۲۱۲۰۲۰۰۶۰۰ و ۹۶۰۹۹۷۲۱۲۰۲۰۱۱۹۹ صادره از شعبه ۲ دادسرای ناحیه ۲۶ شکل گرفته است که بر اساس آن، قبل از شروع تحقیقات، مقام قضایی سعی می‌کند احراز کند که آیا در سه سال گذشته علامت مورد استفاده بوده است یا خیر؟ این امر ناظر بر ماده ۴۱ قانون ۱۳۸۶ در خصوص الغای علامت به جهت عدم استفاده (Non-Use) بوده است. این رویکرد مورد تأیید برخی نویسندگان قرار گرفته است (جعفرزاده و لجم اورک، ۱۳۹۹، ص. ۱۷۷)، اما پذیرش آنچه در مورد محل استقرار حقوق انحصاری بیان شد، نشان می‌دهد تا زمانی که گواهی‌نامه باطل یا الغا نشده، حقوق انحصاری به قوت خود باقی است و باید مورد ترتیب اثر قرار گیرد؛ البته این حالت نیز مشمول ماده ۱۳۳ قانون ۱۴۰۳ است. در نتیجه، در صورت طرح دفاع مبنی بر تحقق شرایط الغای علامت به جهت عدم استفاده که در ماده ۱۱۰ انعکاس یافته است، مرجع کیفری مکلف به صدور قرار اناطه خواهد بود؛ البته نقض نوع اول منوط به تحقق گمراهی مصرف‌کننده بوده و در مواقعی ممکن است که مرجع قضایی به این نتیجه برسد که به جهت عدم استفاده مالک از علامت، اساساً مصرف‌کننده هیچ‌گونه ایده‌ای از منشأ کالاها و خدمات نداشته و در نتیجه، به دلیل متصور نبودن گمراهی مصرف‌کننده، اساساً شرایط تحقق نقض محقق نشده است (عزیز ثانی و همکاران، ۱۴۰۱، ص. ۳۵۱). قاعداً با فرض پذیرش این رویکرد، رد دعوی و شکایت به این جهت خارج از بحث مقاله حاضر است.

تحلیل قرار گیرد تا مشخص شود که رویکرد ماده ۱۳۳ قانون ۱۴۰۳، با مصالح و مقتضیات اقتصادی و تجاری انطباق دارد یا خیر؟

۱.۲. ضرورت‌های حقوق مالکیت صنعتی

منظور از ضرورت‌های حقوق مالکیت صنعتی آن دسته از ملاحظات است که باید جهت افزایش کارایی مقررات حقوق مالکیت صنعتی در قاعده‌سازی و تفسیر قواعد آن مورد لحاظ قرار گیرند. این ضرورت‌ها را می‌توان به دو ضرورت ایجاد بستر مناسب برای تجاری‌سازی دارایی‌های فکری و ضرورت رفع انحصار بلاجهت تقسیم کرد.

۱.۱.۲. ضرورت ایجاد بستر مناسب برای تجاری‌سازی

از منظر مقاله حاضر، تجاری‌سازی موضوعات حقوق مالکیت صنعتی به معنای بهره‌برداری سوداگرانه از این موضوعات است. بنابراین، بستر مناسب برای تجاری‌سازی، وضعیتی است که در صورت تحقق، خالقین پدیده‌های صنعتی بتوانند ضمن حفظ منافع اجتماعی، بیشترین بهره ممکن را از پدیده صنعتی مورد نظر ببرند. تجاری‌سازی یک مال فکری در دو مقطع انتخاب روش حمایت از آن موضوع و انتخاب روش بهره‌برداری از آن موضوع عینیت پیدا می‌کند. اهمیت بستر مناسب برای تجاری‌سازی را می‌توان نشئت گرفته از اهداف اساسی حقوق مالکیت صنعتی یعنی تشویق فعالیت‌های نوآورانه و اشاعه آن‌ها در جامعه انگاشت.

هدف غایی نظام حقوق مالکیت صنعتی از بین بردن نگرانی بهره‌برداری تجاری از اموال فکری توسط سرمایه‌گذاران و خالقین این اموال است (WIPO Intellectual Property Handbook, 2004, p. 3). به همین جهت، ایجاد بستر مناسب برای تجاری‌سازی یکی از ضرورت‌های حقوق مالکیت صنعتی به حساب می‌آید. در شرایطی که طبیعتاً تضمین مناسبی برای حمایت از پدیدآورندگان اموال فکری وجود ندارد، حقوق مالکیت فکری پای به میان می‌نهد و با پیش‌بینی حقوق انحصاری و ممنوع کردن سایر اشخاص از بهره‌برداری از موضوعات ثبت‌شده، این تضمین را فراهم می‌آورد. در راستای تحقق هدف مذکور، مقررات حقوق مالکیت فکری خاصه حقوق مالکیت صنعتی، باید طوری تدوین و تفسیر شوند که بستری مناسب و امن برای تجاری‌سازی موضوعات مورد حمایت فراهم آید.

تجاری‌سازی دارایی‌های فکری خاصه اختراع، زمانی به‌طور کارآمد انجام می‌شود که اشخاص

جهت انتخاب نظام حمایت از پدیده‌های صنعتی خود (اعم از ثبت اختراع و اسرار تجاری) با چالشی مواجه نباشند؛ یعنی اگر یک مخترع واقعاً نظام ثبت اختراع را به سود خود می‌داند، نسبت به ثبت اختراع اقدام کند و به جهت دافع‌ها و ناکارآمدی‌های نظام ثبت مالکیت صنعتی از ثبت اختراع خود روی‌گردان نشود.

همواره یکی از عوامل توجیه‌کننده نظام ثبت اختراع، فراهم آوردن زمینه افشای اطلاعات درباره اختراعات برای جامعه است (Suthesanan et al, 2007, p. 9). ریشه اهمیت این امر را می‌توان در نظریات نویسندگان تحلیل اقتصادی حقوق جست‌وجو کرد. به‌زعم ایشان، نابرابری اطلاعات همواره از عواملی است که بازار را در تخصیص بهینه منابع دچار شکست می‌کند و تلاش برای از میان بردن این انحصار و اشتراک حداکثری اطلاعات را قدمی برای افزایش کارایی می‌دانند. دسترسی حداکثری به اطلاعات درباره اختراعات می‌تواند مسیری مناسب برای فعالیت‌های خلاقانه و فکری دیگر فعالان و بازیگران عرصه دانش فراهم آورد (Landess & Ponserrrd, 2003, p. 294). از این‌رو قوانین حوزه حقوق مالکیت صنعتی باید به‌نحوی تدوین شوند که اشخاص در دوراهی انتخاب نظام ثبت اختراع و اسرار تجاری، نظام ثبت اختراع را نظامی ناکارآمد ندانند. در فرایند تصمیم‌گیری در خصوص روش حمایت از اختراعات، ملاحظات مد نظر مخترعین قرار می‌گیرد. از مهم‌ترین این ملاحظات می‌توان به قابلیت ثبت اختراع، قابلیت تجاری آن اختراع و میزان احتمال مهندسی معکوس^۱ در صورت تمسک به نظام اسرار تجاری اشاره کرد (Gail A, 2017, p. 2). همچنین، عوامل دیگری نیز می‌توانند بر این انتخاب اثرگذار باشند. برای مثال، اگر اختراع افشاشده این قابلیت را داشته باشد که پایه و اساس اختراعات دیگر قرار گیرد، ممکن است شخص مخترع جهت جلوگیری از ایجاد موقعیت الگوبرداری از اختراع خود توسط رقبایش تمایلی به ثبت اختراع و به‌تبع، افشای اطلاعات آن اختراع نداشته باشد (Erkal, 2004, p. 14). در نتیجه، اشخاص در فرایند تجاری‌سازی اختراعاتشان در مواقعی نظام اسرار تجاری و در مواقعی دیگر نظام ثبت اختراع را ترجیح می‌دهند و به‌نوعی، این دو نظام یکدیگر را تکمیل می‌کنند (Barnaby, 1973, p. 517). قاعدتاً یکی از ملاحظات که جهت انتخاب نظام حمایتی

1. Reverse Engineering

مدنظر قرار می‌گیرد، میزان قطعیت^۱ حمایت‌های آن نظام است. قاعده‌سازی حقوق مالکیت صنعتی باید به‌نحوی انجام شود که در فرایند تجاری‌سازی و انتخاب نظام حمایتی، اشخاص با مانعی دلسردکننده جهت انتخاب نظام ثبت اختراع که همراه با مزیت افشای اطلاعات است، مواجه نشوند تا هم بالاترین سطح انگیزه برای فعالیت‌های فکری فراهم آید و هم با افشای اطلاعات اختراع، منافع اقتصادی جامعه به بهترین شکل ممکن تأمین شود و هدف کارایی مقررات حقوق مالکیت صنعتی به ثمر نشیند.

از سوی دیگر، مصلحت اجتماعی در این است که اختراعات و طرح‌های صنعتی به بیشترین میزان ممکن مورد استفاده قرار گیرند تا هم جامعه از مزایای آن‌ها بهره‌مند شود و هم نفع مادی بیشتری نصیب مالک آن پدیده فکری شود. بهره‌برداری از پدیده‌های صنعتی به دو شکل استفاده شخصی و اعطای مجوز بهره‌برداری^۲ امکان‌پذیر است. بنابراین، ضرورت ایجاد بستری مناسب برای تجاری‌سازی اموال فکری ایجاب می‌کند نه‌تنها حمایت مؤثر و قوی نسبت به آن‌ها برقرار شود، بلکه اشخاص با مانع یا عاملی که آن‌ها را نسبت به انعقاد قرارداد برحذر دارد، مواجه نشوند؛ یعنی شرایط طوری باشد که دارنده حق اختراع، صرف‌نظر از بهره‌برداری شخصی، از بهره‌برداری از طریق انعقاد قرارداد و اعطای مجوز بهره‌برداری برحذر نباشد (Roper, 2008, p. 1654).

۲.۱.۲. ضرورت رفع انحصار بلاجهت

حمایت از پدیده‌های صنعتی و ایجاد انحصار برای خالق مال فکری، هزینه‌های اجتماعی زیادی ازجمله افزایش هزینه جامعه برای بهره‌برداری از آن مال فکری و افزایش هزینه‌های رقبا برای ورود به بازار را به همراه دارد (Lemley & Shapiro, 2005, p. 87). صرف‌نظر از اینکه جامعه نمی‌تواند از آن موضوع ثبت‌شده استفاده کند و قیمت کالاها و خدمات متضمن آن مال فکری افزایش پیدا می‌کند، ممکن است نفس انحصاری شدن موضوعات ثبت‌شده، هزینه‌هایی برای ورود سایرین به بازار داشته باشد و به‌تبع، اسباب تأخیر ورود آن‌ها به بازار را فراهم آورد (Leslie, 2006, p. 124)؛ با این توضیح که در بسیاری از مواقع، در رابطه با قلمرو ادعاهای مورد حمایت یک اختراع قطعیت وجود ندارد؛ یعنی به‌طور دقیق مشخص نیست که چه فرایندها و محصولاتی مورد

1. Certainty

2. License

حمایت هستند و استفاده کردن از چه فرایندها و محصولاتی ناقض حقوق دارندگان موضوعات ثبت‌شده است (Corea, 2014, p. 3). در نتیجه، ورود به بازار همراه با اختراعات جدید، توأم با احتمال نقض حقوق ناشی از گواهی‌نامه سایر رقبا خواهد بود. فرد تازه‌وارد به این مسئله فکر می‌کند که مبدا فعالیت وی نقض‌کننده حقوق سایرین باشد. به همین دلیل، باید قلمرو و میزان هم‌پوشانی محصولات و اختراعات خودش با محصولات و اختراعات موجود در بازار را مورد ارزیابی قرار دهد تا معلوم شود آیا واقعاً با محصولی که به بازار عرضه می‌شود، حقوق رقبای حاضر در بازار که اختراعاتشان را ثبت کرده‌اند نقض می‌شود یا خیر؟ این هزینه‌ها فرایند رقابتی شدن بازار را با چالش همراه می‌سازد.

جامعه زمانی چنین هزینه‌هایی را تحمل می‌کند که موضوع ثبت‌شده حداقل‌هایی را برآورده کند؛ یعنی واجد شرایط ماهوی مورد نیاز برای ثبت باشد. اگر گواهی‌نامه‌ای بدون احراز دقیق شرایط ثبت صادر شود، هزینه‌هایی بدون توجیه به جامعه تحمیل می‌شود و آثار ناشی از انحصار بدون هیچ‌گونه توجیهی برای جامعه پدید می‌آید (Leslie, 2006, p. 128). بنابراین، لازم است مقررات حقوق مالکیت صنعتی به نحوی تدوین و تفسیر شوند تا بیشترین حد ممکن انحصار بلاجهت رفع شود.

۲.۲. تأثیر اعتبار ندادن به گواهی‌نامه بر تحقق ضرورت‌های حقوق مالکیت صنعتی

یکی از اصلی‌ترین عوامل اثرگذار بر تجاری‌سازی اموال فکری، دایره حقوق ناشی از ثبت و حدود قطعیت آن است. پس از ثبت مال فکری، دارنده گواهی‌نامه این امید را دارد که اگر شخصی اقدام به بهره‌برداری از مال فکری او کند، بتواند دعوی نقض را علیه شخص ناقض طرح کند. حال اگر مرجع قضایی به گواهی‌نامه او اعتبار ندهد و به تبع، دعوی او را رد کند، قاعدتاً در زمان انتخاب نظام حمایتی ممکن است از تمسک به نظام ثبت بی‌میل شود. در عین حال، به جهت ضعف ضمانت اجراها، تمایل اشخاص ثالث به اخذ مجوز بهره‌برداری از آن مال فکری نیز کاهش خواهد یافت. در مقابل، ممکن است گفته شود وقتی گواهی‌نامه به درستی صادر نشده باشد و مال فکری واجد شرایط لازم نباشد، اعطای انحصار به اشخاص چه توجیهی دارد؟ چیزی که از آن به عنوان یکی از ضرورت‌های حقوق مالکیت صنعتی یاد می‌کنیم، بستری مناسب برای تجاری‌سازی اموال فکری واجد شرایط است نه اموال فکری فاقد شرایط. اتفاقاً ضرورت دوم یعنی ضرورت رفع

انحصار بلاجهت اقتضا دارد که به این گواهی‌نامه‌ها اعتبار داده نشود و در این راستا، کنکاش مرجع قضایی در خصوص اعتبار گواهی‌نامه می‌تواند موجه جلوه کند؛ امری که در آرای متعددی به‌عنوان یکی از عوامل موجه ورود مرجع قضایی به مسئله اعتبار گواهی‌نامه مورد استناد قرار گرفته است.^۱

ما نیز بر این عقیده‌ایم که انحصار بلاجهت و تضییق حقوق جامعه امری قبیح است و ازاین‌رو می‌پذیریم اگر مال فکری بدون بررسی دقیق ثبت شده باشد، اعتبار دادن به آن در دعاوی نقض می‌تواند اسباب استحکام انحصار بلاجهت و سوءاستفاده سودجویان را فراهم آورد، اما مسئله این است که قانون‌گذار برای رفع این مشکل راه‌حلی متقن یعنی امکان ابطال این‌گونه گواهی‌نامه‌ها را پیش‌بینی کرده است؛ امری که یکی از تفاوت‌های اساسی نظام ثبت املاک و ثبت مالکیت صنعتی در مرحله ثبت اولیه محسوب می‌شود. در خصوص ثبت املاک، وفق ماده ۲۴ قانون ثبت، اساساً امکان ابطال سند وجود ندارد، اما در حوزه حقوق مالکیت صنعتی، وضعیت کاملاً متفاوت است و دقیقاً به جهت احتمال بالای نادرستی ثبت و ایجاد انحصار بلاجهت در راستای ضرورت رفع انحصار بلاجهت، ثبت اولیه قابل ابطال است. حال چه دلیلی دارد در شرایطی که خواننده دعوی نقض یا مشتکی‌عنه می‌تواند از مسیر و چهارچوب صحیح اقدام لازم را برای طرح دعوی ابطال انجام دهد و هم خود را از دعوی یا شکایتی که علیه او طرح شده است، رهایی بخشد و هم انحصار بلاجهت را برای کل جامعه از بین ببرد، مرجع قضایی برخلاف مقتضیات نظام ثبت و برخلاف نص قانون که حقوق انحصاری را ناشی از ثبت دانسته است، رأساً اقدام به ارزیابی صحت ثبت کند؟

ممکن است گفته شود چه ایرادی بر این رویکرد وارد است وقتی نتیجه نهایی آن حذف انحصار بلاجهت و ترتیب اثر ندادن به گواهی‌نامه‌های فاقد شرایط خواهد بود؟ در پاسخ باید توجه شود که اولاً، اگر مرجع قضایی بدون طرح دعوی ابطال، در آن پرونده خاص به مسئله اعتبار گواهی‌نامه ورود کند، صرفاً مشتکی‌عنه یا خواننده همان دعوی از زیان انحصار بلاجهت در امان خواهد بود، اما اگر مشتکی‌عنه یا خواننده به طرح دعوی ابطال ارشاد شود، تمام جامعه از آثار

۱. برای مثال، در دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۲۱۲۰۲۰۹۲۱ صادره از شعبه ۲ دادپاری دادرای ناحیه ۲۶ تهران.

رفع انحصار بلاوجه متمتع خواهد شد. در نتیجه، عدم ورود مرجع قضایی به مسئله صحت یا عدم صحت ثبت و تمسک به قرار اناطه می‌تواند موجب رفع انحصار بلاجهت در سطحی بالاتر را فراهم آورد. ثانیاً، راقمین این سطور نیز در صدد حمایت از سوءاستفاده‌گران و اشخاصی که با سوءنیت اقدام به ثبت اختراعات، طرح‌ها و علائم فاقد شرایط می‌کنند، نیستند، اما مسئله این است که صحت یا عدم صحت ثبت پدیده صنعتی همواره با قطعیت همراه نیست. در واقع، همیشه این‌گونه نیست که پدیده صنعتی از دید کارشناسان حوزه مربوط به‌طور قطعی فاقد شرایط باشد. این مسئله ناشی از شخصی^۱ بودن معیارهای ارزیابی شرایط ماهوی ثبت پدیده‌های صنعتی است. اگر در خصوص ثبت املاک صحبت به میان آید، به‌راحتی می‌توان گفت ملکی که به ثبت رسیده، در عالم اعتبار شرایط ثبت را داشته یا نداشته و حدود اربعه آن به‌درستی تعیین شده یا نشده است؛ زیرا معیارهای ارزیابی کاملاً موضوعی^۲ هستند و قضاوت شخصی اشخاص حداقل اثر را دارد، اما در حقوق مالکیت صنعتی در بسیاری از مواقع نمی‌توان با قاطعیت سخن از وجود یا عدم وجود شرایط ثبت به میان آورد. برای مثال، در خصوص اختراع حتی اگر قلمرو دانش پیشین^۳ به‌طور کامل مورد شناسایی قرار گیرد، تطبیق اختراعات مورد درخواست ثبت با قلمرو دانش پیشین بر اساس معیارهای شخصی صورت می‌گیرد؛ مسئله‌ای که می‌تواند به عدم قطعیت ورقه اختراع دامن بزند.

ارزیابان اداره ثبت اختراع از زاویه دید خودشان اختراعات را با دانش پیشین تطبیق می‌دهند. جهت احراز شرط گام ابتکاری، ارزیاب باید احراز کند که آن اختراع برای شخص با مهارت متعارف^۴ در رشته مربوط بدیع نبوده است و امری پیش‌پاافتاده تلقی نمی‌شود. به سه دلیل عمده ارزیابی بر اساس معیار شخص با مهارت متعارف همواره با عدم قطعیت همراه است. ۱. ناتوانی در ارائه معیاری عینی جهت تعریف حداقل سطح فنی و علمی شخص با مهارت متعارف که بر مبنای مهارت او، باید سطح نوآوری سنجیده شود. ۲. ناتوانی در ارائه معیاری عینی جهت شناسایی حداقل نوآوری لازم برای تحقق گام ابتکاری و ۳. غیرممکن و غیرواقع‌بینانه بودن اینکه شخصی

1. Objective
2. Subjective
3. Prior Art
4. Person Having Ordinary Skill in the Art (PHOSITA)

که خودش از سطحی از دانش و مهارت در یک حوزه برخوردار است، بتواند از منظر یک شخص خیالی ارزیابی کاملی بدون دخالت دادن تفکرات و سوگیری‌های خودش انجام دهد (Corea, 2014, p. 11). در هر حال، ارزیاب باید خود را به جای این شخص فرضی^۱ قرار دهد و از دریچه ذهن او به تحلیل موضوع بپردازد. حال ممکن است از دیدگاه یک ارزیاب، اختراع مورد نظر برای شخص با مهارت متعارف کاملاً آشکار باشد، اما به نظر ارزیاب دیگر اساساً چنین نباشد (Corea, 2014, p. 11).

بنابراین، می‌توان گفت حتی اگر گواهی‌نامه اختراع صادر شود و در طول دوره حمایت، مسئله صحت یا عدم صحت ثبت مطرح شود، ممکن است بنا بر نظر برخی کارشناسان، اختراع واجد شرایط ثبت بوده باشد و بنا بر نظر برخی دیگر از کارشناسان، واجد شرایط ثبت تشخیص داده نشود، اما در نهایت، حکم ابطال آن صادر می‌شود. در این مواقع، حتی در صورت ابطال گواهی‌نامه نمی‌توان به طور قطع بر این عقیده بود که اختراع مربوط واجد شرایط ثبت نبوده است.^۲ مسئله شخصی بودن معیارهای ارزیابی در خصوص کاربرد صنعتی هم می‌تواند مؤثر باشد، اما بیشترین تأثیر آن در ارزیابی و احراز شرط گام ابتکاری نمود پیدا می‌کند (Lemley, 2001, p. 510)؛ شرطی که به تعبیر یکی از نویسندگان، دارای مفهومی بسیار مبهم و لغزنده^۳ است (Pittman, 2015, p. 347).

شخصی بودن معیارهای ارزیابی در مقایسه دو علامت نیز می‌تواند بسیار اثرگذار باشد. اگر علامتی شبیه علامت دیگر باشد، مرجع ثبت باید از ثبت آن علامت اجتناب نماید؛ امری که یکی از ملاحظات مرجع ثبت در زمان ثبت علامت است. در ارزیابی شباهت دو علامت عوامل گوناگونی اثرگذار هستند. یکی از این عوامل، درجه شباهت کالاها و خدماتی است که آن دو علامت مورد نظر برای آن‌ها استفاده می‌شود. قاعداً هرچه درجه تفاوت میان کالاهای موضوع

1. Hypothetical Person

۲. با توجه به همین ملاحظات، یکی از نویسندگان آمریکایی عدم بررسی دقیق شرایط ماهوی ثبت توسط مرجع ثبت را نوعی «بی‌توجهی معقول» دانسته است و عقیده بر معقول بودن صرف وقت و هزینه بسیار در ارزیابی اختراعات دارد (Lemley, 2001, p. 510).

3. Elusive & Slippery Concep

علامت کمتر باشد، درجه شباهت کمتری برای جلوگیری از ثبت لازم است. همچنین، جهت احراز وجود شباهت میان علامات، عناصر کلی یک علامت باید بررسی شود و به‌طورکلی این فرایند در ادعای نقض توسط کارشناس قابل بررسی است. در این راستا، لازم است شباهت را از نگاه مشتری احراز کرد. برای احراز شباهت و امکان حصول احتمال گمراهی در مصرف‌کنندگان باید سه عنصر آوا، تلفظ و نمود یا ترکیبی از آن‌ها را مورد توجه قرار داد (احمدیان مقدم و جعفرزاده، ۱۳۹۶، ص. ۱۴۴). طبیعتاً احراز حدود شباهت دو علامت در آوا، ظاهر و تلفظ می‌تواند جولانگاه اختلاف‌نظرهای متعدد و گسترده باشد.

نتیجه آنکه، برخلاف نظام ثبت املاک، در بسیاری از مواقع حتی در عالم اعتبار هم معلوم نیست مال فکری مورد نظر شرایط ثبت را داشته یا نداشته است. ما این ویژگی را به عدم قطعیت ذاتی^۱ اعتبار گواهی‌نامه‌های مالکیت صنعتی تعبیر می‌کنیم؛ ویژگی‌ای که لازم است قواعد مالکیت صنعتی با لحاظ آن تدوین و تفسیر شوند. در این وضعیت تصور کنید شخصی اختراعی را با حسن نیت به ثبت رسانده و در مقام اعمال حق انحصاری ناشی از ثبت، علیه شخصی که از آن اختراع بهره‌برداری کرده است، اقامه دعوی می‌کند. مرجع قضایی به‌جای اعتبار دادن به گواهی‌نامه، فرض را بر عدم اعتبار می‌نهد و مسئله را به کارشناس ارجاع می‌دهد تا صحت یا عدم صحت ثبت را ارزیابی کند. در این حالت ممکن است کارشناس امر، رویکردی سخت‌گیرانه نسبت به شرط گام ابتکاری داشته باشد و آن اختراع را واجد گام ابتکاری نداند. در نتیجه، بدون اینکه آن گواهی‌نامه باطل شده باشد، دادگاه عملاً هیچ حقی برای دارنده گواهی‌نامه متصور نخواهد بود. این در حالی است که شاید اگر کارشناسی دیگر به موضوع رسیدگی می‌کرد، نتیجه دیگری حاصل می‌شد. بنابراین، به نظر می‌آید ورود مرجع قضایی به مسئله اعتبار گواهی‌نامه بدون اینکه دعوی ابطال طرح شده باشد، به جهت شخصی بودن معیارهای ارزیابی، لزوماً موجب رفع انحصار بلاجهت نمی‌شود؛ زیرا اساساً در بسیاری از مواقع نمی‌توان مرز دقیقی میان وجود یا عدم وجود انحصار بلاجهت متصور بود.

در نتیجه، رویکرد اتخاذشده توسط برخی مراجع قضایی که پیش‌تر بدان اشاره شد، انطباقی با

1. Intrinsic Uncertainty

ضرورت‌های حقوق مالکیت صنعتی ندارد. بنابراین، رویکرد ماده ۱۳۳ قانون ۱۴۰۳ نه تنها مغایرتی با ضرورت‌های حقوق مالکیت صنعتی ندارد، بلکه با هدایت مدعی طرح دعوی ابطال گواهی‌نامه، موجبات حذف کامل انحصار بلاجهت ناشی از آن گواهی‌نامه (در فرضی که واقعاً انحصار بلاجهتی وجود داشته باشد) را فراهم می‌آورد.

۳. صدور قرار اناطه با لحاظ قواعد آیین دادرسی کیفری

این سؤال مطرح است که آیا مسئله میحوث‌عنه با لحاظ مقررات آیین دادرسی کیفری در قلمرو قرار اناطه قرار می‌گیرد یا خیر؟ اساساً آیا رویکرد ماده ۱۳۳ قانون حمایت از مالکیت صنعتی موجب توسعه قلمرو قرار اناطه و به تبع، رویکرد رویه قضایی در عدم تسری قرار اناطه به مسئله مانحن‌فیه مطابق قواعد آیین دادرسی بوده است یا برعکس، ماده ۱۳۳ حاوی حکمی مخالف با مقتضیات آیین دادرسی نیست و رویه قضایی در خصوص قلمرو قرار اناطه در اشتباه بوده است؟ در این رابطه، شعبه ۲ دادرسی ناحیه ۲۶، در برخی آرای خود این‌گونه ابراز عقیده کرده است که «با توجه به ماده ۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات و الحاقات بعدی، قرار اناطه فقط در خصوص اموال غیرمنقول مصداق پیدا می‌کند (درحالی‌که دارایی‌های فکری اموال ویژه‌ای هستند و تابع نظام خاص خود و نمی‌توان احکام مربوط به اموال سنتی را بر آن‌ها بار کرد)» (قرار شماره ۹۷۰۹۹۷۲۱۲۰۲۰۰۶۰۰ شعبه ۲ دادیاری دادرسی ناحیه ۲۶). درنهایت، دادرسی با این استدلال، رأساً و بدون صدور قرار اناطه وارد بررسی شرایط ماهوی ثبت شده است. خلاصه آنکه، آیا در مانحن‌فیه، قواعد آیین دادرسی کیفری اقتضای صدور قرار اناطه را دارد؟

اناطه عبارت است از توقف رسیدگی به یک دعوی بر رسیدگی و ختم دعوی دیگر بدون آنکه مقید به نوع خاصی از دعاوی (مدنی، جزایی و اداری) بوده باشد (نوروزی، ۱۳۸۴، ص. ۶۲). به تعبیر مرحوم دکتر جعفری لنگرودی، اناطه یعنی توقف رسیدگی به دعوی اصلی بر رسیدگی به امر دیگر که باید پیش از رسیدگی به دعوی اصلی مختومه شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۳، ص. ۶۷). دادگاهی که به جرمی رسیدگی می‌کند، اصولاً صلاحیت دارد به همه ادعاها و ایرادات طرفین رسیدگی کند، اما گاهی اوقات قانون‌گذار به لحاظ رعایت مصالح جامعه و ایجاد نظم در دادرسی و تأمین عدالت بیشتر، رسیدگی به برخی مبانی و مقدمات جرم را از صلاحیت دادگاه کیفری رسیدگی‌کننده به جرم خارج دانسته است. در این مواقع، دادگاه رسیدگی‌کننده به جرم، قراری

صادر می‌کند که به موجب آن، رسیدگی به امر جزایی تا حصول نتیجه قطعی از مرجع صلاحیت‌دار متوقف می‌شود. این اقدام دادگاه را اناطه کیفری می‌گویند (خالقی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۱۰۹؛ آخوندی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۸۶).

در چند مقطع، شاهد تحولاتی در قلمرو صدور قرار اناطه بوده‌ایم. طبق ماده ۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۰، برای صدور قرار اناطه وجود دو شرط ضرورت داشت. ۱. ثبوت تقصیر متهم منوط به اثبات امر دیگری باشد و ۲. اثبات آن امر دیگر مثل اثبات حق مالکیت از صلاحیت ذاتی مرجع کیفری خارج باشد.

در خصوص بحث اثبات مالکیت، اختلافاتی در رویه قضایی شکل گرفته بود. بعضی قضاات به مجرد ادعای مالکیت متهم نسبت به مال موضوع جرم قرار اناطه صادر می‌کردند، اما بعضی دیگر، موضوع رسیدگی به مالکیت مال منقول را از صلاحیت خود خارج نمی‌دانستند و به رسیدگی ادامه می‌دادند؛ زیرا معتقد بودند لفظ اثبات مالکیت ظهور در اثبات مالکیت اموال غیرمنقول دارد. در نهایت، دیوان عالی کشور با صدور رأی وحدت رویه ۵۲۹ مورخ ۱۳۶۸/۸/۲، به اختلافات خاتمه داد. طبق این رأی، «متن ماده ۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری که ثبوت تقصیر متهم را منوط به مسائلی قرار داد که محاکمه و ثبوت آن از خصایص محاکم حقوقی است، ناظر بر اختلاف در مالکیت اموال غیرمنقول می‌باشد و در مورد اموال منقول صدق پیدا نمی‌کند...». با صدور این رأی، شرایط صدور قرار اناطه این گونه شد که اولاً، اثبات وقوع جرم باید منوط به اثبات مسئله‌ای دیگر باشد. ثانیاً، اثبات آن مسئله از صلاحیت محاکم کیفری خارج باشد مگر در مورد اثبات مالکیت اموال منقول که استثنائاً مرجع کیفری می‌تواند به آن ورود کند.

صاحب‌نظران حقوق آیین دادرسی کیفری بر این عقیده‌اند که تفکیک اموال منقول و غیرمنقول و جاری دانستن احکامی متفاوت از جهت امکان صدور قرار اناطه در خصوص این دو نوع مال، نشئت گرفته از جایگاه تشریفات در مالکیت اموال غیرمنقول و عدم نیاز به تشریفات خاص در بحث مالکیت اموال منقول و امکان استفاده از امارات در احراز این امر است؛ توضیح بیشتر اینکه، احراز قطعی مالکیت در خصوص اموال غیرمنقول منوط به طی تشریفات ثبت این اموال است و به دلالت قانون ثبت، مالک اموال غیرمنقول آن شخصی است که این اموال در دفتر املاک به نام او به ثبت رسیده است، اما چنین قاعده‌ای در رابطه با اموال منقول وجود ندارد و حتی بر اساس تصرف به عنوان یک اماره نیز می‌توان مالکیت اشخاص را محرز دانست. این تفکیک کاملاً معقول بوده

است؛ زیرا مرجع کیفری این توانایی را دارد که در مقابل دفاع مالکیت مشتکی عنه به بحث مالکیت ورود کند و از اماراتی مثل اماره تصرف بهره ببرد، اما در خصوص مالکیت اموال غیرمنقول با توجه به تشریفات بودن اعطای حق مالکیت و ضرورت ثبت این اموال و عدم کفایت تمسک به ظواهری مثل اماره تصرف، نیازمند صدور قرار اناطه هستیم (خالقی، ۱۳۹۹، ص. ۱۱۰؛ خالقی، ۱۳۹۷، ص. ۵۲؛ پورمحمد، ۱۳۹۵، ص. ۷۷۱). درحقیقت، آنجا که مرجع کیفری رأساً توانایی و صلاحیت ورود به بحث اثبات مالکیت اموال منقول را دارد، نیازی به صدور قرار اناطه نیست، اما آنگاه که اثبات مالکیت و تشریفات ثبت درهم تنیده می‌شوند، رسیدگی به مسئله مالکیت منوط به صدور قرار اناطه و طرح در مرجع حقوقی خواهد بود.

به‌هرروی، با تصویب قانون جدید آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲، تا حدود زیادی ابهام‌ها و مسائل اختلاف‌برانگیز رفع شد. ماده ۲۱ این قانون مقرر می‌دارد «هرگاه احراز مجرمیت متهم منوط به اثبات مسائلی باشد که رسیدگی به آن‌ها نه در صلاحیت مرجع کیفری، بلکه در صلاحیت دادگاه حقوقی است، با تعیین ذی‌نفع و با صدور قرار اناطه تا هنگام صدور رأی قطعی از مرجع صالح، تعقیب متهم معلق و پرونده به‌صورت موقت بایگانی می‌شود. در این صورت هرگاه ذی‌نفع ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ قرار اناطه، بدون عذر موجه به دادگاه صالح رجوع نکند و گواهی آن را ارائه ندهد، مرجع کیفری به رسیدگی ادامه می‌دهد و تصمیم مقتضی را اتخاذ می‌کند». تبصره ۲ این ماده مقرر داشته است که «اموال منقول از شمول این ماده مستثنا هستند».

بنابراین، با عنایت به سیر تاریخی تکامل قرار اناطه می‌توان گفت این قرار آنجا صادر می‌شود که اولاً، با توجه به دفاعیات متهم، شاکی دلایل کافی برای اثبات جرم ادعا شده نداشته باشد و برای اثبات جرم، نیاز به اثبات امر دیگری که در صلاحیت دادگاه حقوقی است، وجود داشته باشد. ثانیاً، احراز آن امر باید لزوماً در قالب یک دعوی مستقل در یک مرجع قضایی دیگر انجام شود. ثالثاً، آن امر، اثبات مالکیت اموال منقول نباشد. برای مثال، اگر شکایت زنا طرح شده باشد و متهم با وجود وقوع نزدیکی با شاکی، مدعی وجود رابطه زوجیت با او باشد و این مسئله مورد انکار طرف مقابل قرار گیرد، از آنجاکه اصل بر عدم زوجیت بوده و وقوع نکاح امری حادث است، باید قرار اناطه صادر شود و متهم اقدام به طرح دعوی اثبات رابطه زوجیت در دادگاه خانواده کند (خالقی، ۱۳۹۷، ص. ۵۴).

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، استدلال ارائه‌شده در آرای مراجع کیفری مبنی بر عدم امکان صدور قرار اناطه در مانحن‌فیه، بر این پایه استوار است که صدور قرار اناطه صرفاً در خصوص اموال غیرمنقول قابل تصور است، اما این استدلال کاملاً مخدوش است؛ زیرا برخلاف استدلال ارائه‌شده در آرای فوق‌الذکر، سیر تاریخی موضوع نشان داد که تبصره ۲ ماده ۲۱، امکان صدور قرار اناطه در خصوص مالکیت اموال منقول را با این قید ضمنی سلب کرده است که احراز مالکیت اموال منقول مستلزم طی تشریفات نباشد. بنابراین، اگر بپذیریم اموال فکری، اموالی با ماهیت خاص هستند که احراز مالکیت آن‌ها مستلزم طی تشریفات است، همان‌مبنایی که امکان صدور قرار اناطه در خصوص اموال غیرمنقول را تجویز می‌کند، در رابطه با اموال موضوع حقوق مالکیت صنعتی نیز وجود دارد و ضرورت دارد امکان صدور قرار اناطه نسبت به آن اموال را نیز بپذیریم. غایت امر آنکه از دیدگاه راقمین این‌سطور، همان‌مبنا که در خصوص تسری قرار اناطه به اموال غیرمنقول وجود دارد (یعنی شکل‌گیری و زوال حق بر اساس تشریفات) در رابطه با اموال منقول فکری موضوع حقوق مالکیت صنعتی نیز قابل تصور است. از این‌رو به نظر می‌رسد تبصره ماده ۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری در مقام خارج کردن تمام اموال منقول از شمول قرار اناطه نبوده است، بلکه می‌توان خارج بودن اموال موضوع حقوق مالکیت صنعتی از شمول تبصره ۲ ماده ۲۱ را در تقدیر دانست و بر این عقیده بود که اموال حقوق مالکیت صنعتی نه مشمول تبصره ۲ ماده ۲۱، بلکه مشمول خود ماده ۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری هستند. بنابراین، می‌توان گفت مدلول اقتضایی تبصره ۲ ماده ۲۱ این است که اموال منقول (به‌جز اموال موضوع حقوق مالکیت صنعتی) از شمول قرار اناطه مستثنا هستند. از این‌رو حتی قبل از تصویب قانون حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳ نیز امکان صدور قرار اناطه وجود داشت، اما در هر حال، با عنایت به رویکرد ناصواب رویه قضایی، واضع قانون حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳، تکلیف اعمال ماده ۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری را مورد تصریح قرار داد.

گواهی‌نامه ثبت مالکیت صنعتی سندی دال بر مالکیت دارنده و حقوق انحصاری این شخص است و ظاهراً دلایل کافی برای اثبات مجرمیت وجود دارد. با این حال، با توجه به فضای بی‌ثبات حقوق مالکیت صنعتی و شیوع صدور نادرست گواهی‌نامه مالکیت صنعتی، عقیده بر امکان صدور قرار اناطه عقیده‌ای گزاف نخواهد بود ولو اینکه تا حدودی موجبات اطاله دادرسی فراهم آید. درحقیقت، اعتبار گواهی‌نامه‌های مالکیت صنعتی به‌هیچ‌وجه قابل مقایسه با اسناد مالکیت اموال

غیرمنقول نیست و نمی‌توان به نفس وجود گواهی‌نامه اکتفا کرد و اشخاص را بدون توجه به تمام دفاعیاتشان محکوم کرد. تفسیر موسع مقررات آیین دادرسی کیفری و تفسیر این مقررات به نفع متهم نیز همسو با این تحلیل است. بنابراین، رویکرد قانون‌گذار در وضع ماده ۱۳۳ قانون جدید نه تنها مخالفتی با مقتضیات آیین دادرسی کیفری ندارد، بلکه همسو با آن است.

نتیجه‌گیری

در این اثر تلاش شد حدود انطباق ماده ۱۳۳ قانون جدید حمایت از مالکیت صنعتی با مقتضیات ثبت‌محور بودن روش حمایت از پدیده‌های صنعتی، ضرورت‌های حقوق مالکیت صنعتی و مجرای قرار اناطه مورد تحلیل قرار گیرد که نتایج زیر حاصل شد.

اولاً، ثبت‌محور بودن روش حمایت در حقوق مالکیت صنعتی اقتضا می‌کند بر این عقیده باشیم که تا زمان بقا و اعتبار گواهی‌نامه، حقوق انحصاری ناشی از ثبت استقرار کامل دارد و مرجع قضایی اختیار ندارد رأساً به مسئله اعتبار گواهی‌نامه ورود کند؛ زیرا با ثبت پدیده صنعتی، حقوق انحصاری مستقر می‌شود و تا زمان بقای گواهی‌نامه، این حقوق به قوت خود باقی خواهد ماند.

ثانیاً، از آنجاکه ضرورت ایجاد بستری مناسب برای تجاری‌سازی اقتضای تقویت حمایت از دارنده گواهی‌نامه را دارد، اعتبار ندادن به گواهی‌نامه در دعوی نقض قابل پذیرش نیست. در غیر این صورت اشخاص در زمان انتخاب روش حمایت از ابداعات و آفرینش‌های فکری و صنعتی خود، نسبت به انتخاب نظام ثبت مالکیت صنعتی بی‌میل می‌شوند و به تبع، جامعه از مزایای افشای اطلاعات درباره آفرینش‌های فکری به‌خصوص اختراعات محروم خواهد شد. همچنین، تضعیف حمایت‌های نظام ثبت مالکیت صنعتی موجبات بی‌میلی اشخاص نسبت به انعقاد قرارداد را فراهم می‌آورد و این‌گونه، دامنه اشاعه دارایی‌های فکری کم‌رنگ می‌شود. در خصوص ضرورت رفع انحصار بلاجهت به این نتیجه رسیدیم که به جهت شخصی بودن معیارهای ارزیابی، ورود مرجع قضایی به مسئله اعتبار گواهی‌نامه بدون اینکه دعوای ابطال طرح شده باشد، لزوماً موجب رفع انحصار بلاجهت نخواهد شد؛ زیرا اساساً در بسیاری از مواقع نمی‌توان مرز دقیقی میان وجود یا عدم وجود شرایط ثبت و به تبع، انحصار بلاجهت متصور بود. بنابراین، رویکرد ماده ۱۳۳ مخالفتی با این ملاحظات ندارد.

ثالثاً، برخلاف آنچه در برخی آرای مراجع کیفری به عنوان توجیه عدم امکان صدور قرار اناطه بیان شده است، به نظر می‌رسد با توجه به سیر تاریخی منتهی به تصویب ماده ۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری حکم ماده ۱۳۳، مغایرتی با قواعد آیین دادرسی کیفری نداشته باشد و اتفاقاً حتی اگر این ماده تصویب نمی‌شد نیز ممنوعیتی در خصوص صدور قرار اناطه در فرض مبحث^۳ عنه وجود نداشت.



منابع

- (۱) آخوندی، محمود (۱۳۷۵). آیین دادرسی کیفری (جلد ۱). چاپ ۵، تهران: مجد.
- (۲) احمدیان مقدم، فرید و جعفرزاده، میرقاسم (۱۳۹۶). معیارهای احراز نقض علامت تجاری بر اساس ضوابط عام مسئولیت مدنی و خصوصیات علانم تجاری در حقوق ایران و آمریکا. فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۸۵، صص. ۱۳۹-۱۶۹.
- (۳) بهادری جهرمی، زهرا و شاکری، زهرا (۱۳۹۵). سخنی در انواع نظام‌های ثبت اختراع با نگاهی به برخی اصول ثبتی. مجموعه مقالات همایش ملی تجلیل از مقام علمی استاد محمدجعفر جعفری لنگرودی.
- (۴) پورمحمد، اباست (۱۳۹۲). قرار اناطه در قانون جدید آیین دادرسی کیفری و مقایسه آن با قانون قدیم. همایش ملی قانون آیین دادرسی کیفری در بوته نقد.
- (۵) جعفرزاده، میرقاسم و لجم اورک، حسن (۱۳۹۹). استفاده از علامت تجاری در دعاوی نقض؛ شرطی استثنایی یا فراگیر. حقوق اسلامی. شماره ۶۵، صص. ۱۵۹-۱۸۲.
- (۶) جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۳). ترمینولوژی حقوق. چاپ ۲۵، تهران: گنج دانش.
- (۷) خالقی، علی (۱۳۹۷). نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری. چاپ ۲۰، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی.
- (۸) خالقی، علی (۱۳۹۹). آیین دادرسی کیفری (جلد ۱). چاپ ۱۲، تهران: شهر دانش.
- (۹) شاکری، زهرا و بهادری جهرمی، زهرا (۱۴۰۰). اصل اعتبار گواهی‌نامه ثبت اختراع و اعمال آن در نظام حقوقی ایران. مجله حقوق خصوصی، دوره ۱۸، صص. ۲۰۳-۲۲۵. doi: 10.22059/jolt.2020.304048.1006862
- (۱۰) طباطبایی حساری، نسرين و صادقی مقدم، حسین (۱۳۹۴). آثار ثبت املاک بر اعتبار اعمال حقوقی با تأکید بر اوصاف و کارکردهای نظام ثبتی. مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۶، شماره ۲، صص. ۶۷۷-۶۹۸. doi: 10.22059/jcl.2015.55784
- (۱۱) عزیز ثانی، حمیدرضا، ابهری، حمید و حسینی، سیدحسن (۱۴۰۱). معیارهای احراز گمراهی در نقض علامت تجاری بر مبنای حقوق ایالات متحده آمریکا و ایران. مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۱۴، شماره ۱، صص. ۳۳۶-۳۶۸. doi: 10.22059/jcl.2023.346032.634399
- (۱۲) نوروزی، محمد (۱۳۸۴). قرار اناطه در دعاوی حقوقی. مجله کانون وکلای دادگستری، شماره ۲، صص. ۵۰-۸۳.

- (۱۳) دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۲۱۲۰۲۰۰۹۲۱ صادره از شعبه ۲ دادرسی ناحیه ۲۶ تهران.
- (۱۴) دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۲۱۲۰۲۰۰۷۱۸ صادره از شعبه ۲ دادرسی ناحیه ۲۶ تهران.
- (۱۵) دادنامه شماره ۹۷۰۹۹۷۲۱۲۰۲۰۰۶۰۰ صادره از شعبه ۲ دادرسی ناحیه ۲۶ تهران.
- (۱۶) دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۲۱۲۰۲۰۱۱۹۹ صادره از شعبه ۲ دادرسی ناحیه ۲۶ تهران.

- 17) Barnaby, Howard. (1973). Patent law - previously paid royalty - no recovery by licensee judgment of invalidity. *Boston College Law Review*, 124, 489-542.
- 18) Correa, Carlos M. (2014). Patent examination and legal fictions: How rights are created on feet of clay (South Centre Research Paper).
https://www.southcentre.int/wp-content/uploads/2014/12/RP58_Patent-Examination-Legal-Fictions-rev2_EN.pdf
- 19) Erkal, Nisvan. (2004). On the relationship between patent and trade secrets. *Australian Economic Review*, 37, 1-43.
- 20) Landes, William, & Posner, Richard. (2003). The economic structure of intellectual property law. USA: Harvard University Press.
- 21) Lemley, Mark, & Shapiro, Karl. (2005). Probabilistic patents. *Journal of Economic Perspectives*, 68, 75-98.
- 22) Lemley, Mark. (2001). Rational ignorance at the patent office. *Northwestern University Law Review*, 25, 497-532.
- 23) Leslie, Christopher. (2006). The anticompetitive effects of unenforced invalid patents. *Minnesota Law Review*, 10, 101-183.
- 24) Leslie, Christopher. (2006). The anticompetitive effects of unenforced invalid patents. *Minnesota Law Review*, 10, 101-183.
- 25) Pittman, Dylan. (2015). Allowing patent validity challenge despite no-challenge clauses: Fulfilling the will of King Lear. *Indiana Law Review*, 48, 340-389.
- 26) Roper, Nicholas. (2008). Limiting unfettered challenges to patent validity. *Cardozo Law Review*, 135, 1610-1691.
- 27) Suthesanen, Uma, Dutfield, Graham, & Chow, Kit Boey. (2007). Innovation without patents. USA: Edward Elgar.
- 28) Van Norman, Gail A. (2017). Technology transfer: From the research to commercialization.
- 29) World Intellectual Property Organization. (2004). WIPO intellectual property handbook: Policy, law and use (Publication No. 489). World Intellectual Property Organization.

References

- 1) Ahmadian Moghaddam, Farid & Jafarzadeh, Mirghasem (1396 SH/2017). Mi'yārḥā-ye Iḥrāz-e Naqẓ-e 'Alāmat-e Tijārī bar Asās-e Żavābiṭ-e 'Ām-e Mas'ūliyat-e Madanī va Khuṣūṣiyyāt-e 'Alāyim-e Tijārī dar Ḥuqūq-e Īrān va Āmrīkā [Criteria for Establishing Trademark Infringement Based on General Rules of Civil Liability and Characteristics of Trademarks in Iranian and US Law]. Faslnameh Pazhuheshnameh Bazargani [Commercial Research Quarterly], No. 85, pp. 139-169 [in Persian].
- 2) Akhoundi, Mahmoud (1375 SH/1996). Āyīn-e Dādrasī-ye Kayfarī (Vol. 1) [Criminal Procedure Code] (5th ed.). Tehran: Majd [in Persian].
- 3) Aziz Sani, Hamidreza, Abhari, Hamid & Hosseini, Seyyed Hasan (1401 SH/2022). Mi'yārḥā-ye Iḥrāz-e Gumrahī dar Naqẓ-e 'Alāmat-e Tijārī bar Mabnā-ye Ḥuqūq-e Iyalāt-e Muttahidah-ye Āmrīkā va Īrān [Criteria for Establishing Deception in Trademark Infringement Based on the Laws of the United States of America and Iran]. Motaleat-e Hoquq-e Tatbiqi [Comparative Law Studies], 14(1), pp. 336-368. doi: 10.22059/jcl.2023.346032.634399 [in Persian].
- 4) Bahadori Jahromi, Zahra & Shakeri, Zahra (1395 SH/2016). Sukhanī dar Anvā'-e Nizāmḥā-ye Sabt-e Ikhtirā' bā Nigāhi bih Barkhī Uṣūl-e Sabtī [A Discussion on Types of Patent Registration Systems with a Look at Some Registration Principles]. Majmū'ah Maqālāt-e Hamāyish-e Millī-ye Tajlīl az Maqām-e 'Ilmī-ye Ustād Muḥammad Ja'far Ja'farī Langrūdī [Proceedings of the National Conference Honoring the Academic Status of Professor Mohammad Jafar Jafari Langroudi] [in Persian].
- 5) Barnaby, Howard. (1973). Patent law - previously paid royalty - no recovery by licensee judgment of invalidity. Boston College Law Review, 124, 489-542.
- 6) Correa, Carlos M. (2014). Patent examination and legal fictions: How rights are created on feet of clay (South Centre Research Paper). https://www.southcentre.int/wp-content/uploads/2014/12/RP58_Patent-Examination-Legal-Fictions-rev2_EN.pdf
- 7) Erkal, Nisvan. (2004). On the relationship between patent and trade secrets. Australian Economic Review, 37, 1-43.
- 8) Jafari Langroudi, Mohammad Jafar (1393 SH/2014). Tirmīnūlūzhī-ye Ḥuqūq [Terminology of Law] (25th ed.). Tehran: Ganj-e Danesh [in Persian].
- 9) Jafarzadeh, Mirghasem & Lajm Orak, Hasan (1399 SH/2020). Istifādah az 'Alāmat-e Tijārī dar Da'āvi-ye Naqẓ; Sharṭī Istisnāyī yā Farāgīr [Use of Trademark in Infringement Lawsuits; An Exceptional or Comprehensive Condition]. Hoquq-e Eslami [Journal of Islamic Law], No. 65, pp. 159-182 [in Persian].
- 10) Khaleghi, Ali (1397 SH/2018). Nuktahā dar Qānūn-e Āyīn-e Dādrasī-ye Kayfarī [Points in the Criminal Procedure Code] (20th ed.). Tehran: Legal Studies and Research Institute [in Persian].
- 11) Khaleghi, Ali (1399 SH/2020). Āyīn-e Dādrasī-ye Kayfarī (Vol. 1) [Criminal Procedure Code] (12th ed.). Tehran: Shahr-e Danesh [in Persian].
- 12) Landes, William, & Posner, Richard. (2003). The economic structure of

- intellectual property law. USA: Harvard University Press.
- 13) Lemley, Mark, & Shapiro, Karl. (2005). Probabilistic patents. *Journal of Economic Perspectives*, 68, 75-98.
- 14) Lemley, Mark. (2001). Rational ignorance at the patent office. *Northwestern University Law Review*, 25, 497-532.
- 15) Leslie, Christopher. (2006). The anticompetitive effects of unenforced invalid patents. *Minnesota Law Review*, 10, 101-183.
- 16) Leslie, Christopher. (2006). The anticompetitive effects of unenforced invalid patents. *Minnesota Law Review*, 10, 101-183.
- 17) Norouzi, Mohammad (1384 SH/2005). Qarār-e Ināṭah dar Da‘āvi-ye Huqūqī [The Order of Stay of Proceedings in Legal Lawsuits]. *Majalleh Kanoun-e Vokalay-e Dadgostari [Journal of the Bar Association]*, No. 2, pp. 50-83 [in Persian].
- 18) Pittman, Dylan. (2015). Allowing patent validity challenge despite no-challenge clauses: Fulfilling the will of King Lear. *Indiana Law Review*, 48, 340-389.
- 19) Pourmohammad, Abasat (1392 SH/2013). Qarār-e Ināṭah dar Qānūn-e Jadīd-e Āyin-e Dādrasī-ye Kayfarī va Muqāyisah-ye Ān bā Qānūn-e Qadīm [The Order of Stay of Proceedings in the New Criminal Procedure Code and Its Comparison with the Old Law]. *Hamāyish-e Milli-ye Qānūn-e Āyin-e Dādrasī-ye Kayfarī dar Būtah-ye Naqd [National Conference on the Criminal Procedure Code Under Critique]* [in Persian].
- 20) Roper, Nicholas. (2008). Limiting unfettered challenges to patent validity. *Cardozo Law Review*, 135, 1610-1691.
- 21) Shakeri, Zahra & Bahadori Jahromi, Zahra (1400 SH/2021). Aṣl-e I‘tibār-e Guvāhīnāmāh-ye Sabt-e Ikhtirā‘ va I‘māl-e Ān dar Niẓām-e Huqūqī-ye Īrān [The Principle of the Validity of the Patent Certificate and Its Application in the Iranian Legal System]. *Majalleh Hoquq-e Khosousi [Private Law Journal]*, 18, pp. 203-225. doi: 10.22059/jolt.2020.304048.1006862 [in Persian].
- 22) Suthesanen, Uma, Dutfield, Graham, & Chow, Kit Boey. (2007). *Innovation without patents*. USA: Edward Elgar.
- 23) Tabatabaei Hesari, Nasrin & Sadeghi Moghaddam, Hossein (1394 SH/2015). Āsār-e Sabt-e Amlāk bar I‘tibār-e A‘māl-e Huqūqī bā Ta‘kīd bar Awsāf va Kārkardhā-ye Niẓām-e Sabtī [The Effects of Property Registration on the Validity of Legal Acts with Emphasis on the Characteristics and Functions of the Registration System]. *Motaleat-e Hoquq-e Tatbiqi [Comparative Law Studies]*, 6(2), pp. 677-698. doi: 10.22059/jcl.2015.55784 [in Persian].
- 24) Van Norman, Gail A. (2017). *Technology transfer: From the research to commercialization*.
- 25) World Intellectual Property Organization. (2004). *WIPO intellectual property handbook: Policy, law and use* (Publication No. 489). World Intellectual Property Organization.
- 26) Judgment No. 9609972120201199 Issued by Branch 2 of District 26 Prosecutor's Office of Tehran (n.d.). [in Persian].

- 27) Judgment No. 9709972120200600 Issued by Branch 2 of the Interrogation Office of District 26 Prosecutor's Office of Tehran (n.d.). [in Persian].
- 28) Judgment No. 9809972120200718 Issued by Branch 2 of the Interrogation Office of District 26 Prosecutor's Office of Tehran (n.d.). [in Persian].
- 29) Judgment No. 9809972120200921 Issued by Branch 2 of the Interrogation Office of District 26 Prosecutor's Office of Tehran (n.d.). [in Persian].





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی